



خوانش الهیاتی متفکران مسلمان از پیشاسقراطیان

پژوهشگر حوزه فلسفه اسلامی با بیان اینکه در کشور ما مباحث فلسفی جایگاه خاص خود را دارد ولی بررسی تاریخ فلسفه و مسائل پیرامون آن چندان مورد توجه نبوده است...

پژوهشگر حوزه فلسفه اسلامی با بیان اینکه در کشور ما مباحث فلسفی جایگاه خاص خود را دارد ولی بررسی تاریخ فلسفه و مسائل پیرامون آن چندان مورد توجه نبوده است، گفت: بسیاری از متفکران مسلمان در مورد پیشاسقراطیان یا اساسا مطلبی ندارند و یا مطالب آنان تکراری است و فقط افراد کمی وارد این مقوله شده اند.

فلاسفه پیشاسقراطیان به گزارش ایکنای مهدی عسگری؛ پژوهشگر حوزه فلسفه اسلامی؛ ۲۵ دی ماه در نشست علمی «تیین خوانش الهیاتی متفکران مسلمان از پیشاسقراطیان میلتنوسی» که از سوی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه برگزار شد با بیان اینکه در کشور ما مباحث فلسفی جایگاه خاص خود را دارد ولی بررسی تاریخ فلسفه و بررسی تاریخی پیرامون آن چندان مورد توجه نبوده است به اصطلاح پیشاسقراطیان پرداخت و گفت: این اصطلاح تا قبل از آن که هرماندیز و شاگردش والتر انجام نداده بودند، چندان جا نیفتاده بود و بعد از اینکه این دو بزرگوار در سال ۱۹۰۲ کتاب خودشان را منتشر کردند این اصطلاح جا افتاده است مثلا نیچه پیشاافلاطونیان و هگل در برخی آثارش آنان را پیشاارسطوئیان می نامد و به همین دلیل این اصطلاح را هرماندیز، پیشاسقراطیان بحث کرده است.

عسگری با بیان اینکه در دوره اسلامی، متفکران مسلمان وقتی با مباحث ترجمه آشنا شدند برخی آثار ترجمه شد، اظهار کرد: تفسیری که متفکران مسلمان از پیشاسقراطیان ارائه کردند خوانش و تفسیر الهیاتی است که قرار است بنده به آن بپردازم. خوانشی الهیاتی که آن را از بستر تاریخی خود منحرف کرده و به بستر دیگری بردند. پس اگر ثابت کنیم که این خوانش، الهیاتی است ثابت خواهد شد که خوانش تاریخی هم هست.

عسگری اظهار کرد: نکته دیگر مراد از متفکران مسلمان است؛ مجموعه عقایدنگاران، عرفا، فلاسفه و فیلسوف نگاران که بحث هایی در مورد پیشاسقراطیان ارائه کرده اند متفکران مسلمان در نظر گرفته می شود؛ در مورد عقایدنگاران هم بنده مفهوم عامی را اراده می کنم یعنی اگر کسی در مورد تاریخ علم هم سخن گفته باشد شامل در این بحث است. البته بسیاری از متفکران مسلمان در مورد پیشاسقراطیان یا اساسا مطلبی ندارند و یا مطالب آنان تکراری است و از این لحاظ حجم کمی از افرادی را داریم که در این باره بحث کرده باشند.

این پژوهشگر فلسفه اضافه کرد: برای اینکه بدانیم فهم پیشاسقراطیان در دوره اسلامی چگونه بوده است باید به آثاری مراجعه کنیم که عقاید و نظرات فلاسفه پیشاسقراطی را برای ما ثبت و ضبط کرده اند. یکی از مهمترین این آثار آداب الفلاسفه حنین بن اسحاق است که در برخی متون نوادرفلاسفه هم آمده است؛ وی بهترین مترجم بیت الحکمه است و مترجم زبردستی هم به شما می رفته است. منبعی درباره پیشاسقراطیان

عسگری ادامه داد: اصل این کتاب به دست ما نرسیده است بلکه مختصری به دست ما رسیده و محمدبن علی انصاری آن را تلخیص کرده است ولی ما هیچ اطلاعاتی از محمدبن علی انصاری نداریم و نمی دانیم ایشان چه کسی بوده است و وقت تلخیص عین عبارات را تلخیص کرده است یا اینکه نقل به معنا می کرده است. از روی این تلخیص هم یک ترجمه عبری موجود است که آن را یهودای حریزی در قرن ۷ هجری در اندلس انجام داده است.

این پژوهشگر فلسفه با بیان اینکه در نوادرفلاسفه نکاتی دیده می شود که این سؤال را در ذهن ایجاد می کند که آیا حنین آن را از روی منبع یونانی ترجمه کرده است یا اینکه از روی یک منبع دیگر ترجمه کرده است یا منابع مختلفی برای اقتباس از آنها داشته است. نکته مهم در مورد حنین این است که برخی اقوال وی، رنگ و بوی شرقی و یا دینی دارد به این معنا که نکاتی در دهان فلاسفه گذاشته است که برخی از آنها برای انجیل لوقا و برخی انجیل یوحنا و یا عهد عتیق است در حالی که اگر از روی منابع یونانی ترجمه شده بود نباید چنین وضعیتی داشت.

وی ادامه داد: به هر حال این ایراد به وی وارد است که چرا برخی اقوال منقول از وی، رنگ و بوی شرقی و برخی رنگ و بوی دینی دارد. این به معنای آن است که افرادی که از او نقل کرده اند یعنی کسانی چون شهرستانی در ملل و نحل و مروج الذهب مسعودی و ... هم این خطا را مرتکب شده اند.

این پژوهشگر فلسفه، تصریح کرد: اثر دیگری که باید در اینجا معرفی شود کتاب «الآراء الطبيعية التي ترضى بها الفلاسفة» منسوب به شخصی به نام فلوطرخس (فلوتارک) است و البته این انتساب هم معقول است توسط ابن لوقا متوفای ۳۱ هجری قمری ترجمه شد و منبع غنی برای فهم متفکران مسلمان از پیشاسقراطیان است. اولین کسانی که از این کتاب اسم آورده و مطلب نقل کرده اند ابومحمدحسن بن موسای نویختی است؛ وی کتاب «الآراء و الدیانات» را داشته که از بین رفته است ولی ابن جوزی در تلبیس ابلیس از او نقل هایی دارد که با نقل الآراء الطبيعية یکسان است و این هم منبعی برای متفکران مسلمان بوده است.

عسگری گفت: این کتاب ۵ مقاله دارد؛ در مقاله اول، بسامد طالس از دو همتای دیگر او بیشتر است و مباحث الهیاتی پیرامون طالس خیلی بیشتر است. در مقاله دوم که موضوع آن کواکب و آسمان ها و مباحث علمی است نام آناکسی پلس و آناکسی باندروس بیشتر آمده است؛ در مقاله سوم که در مورد جو و رعد و برق و باران و برف است باز بسامد آناکسی پلس (پلس) و باندرس بیشتر است هرچند نقل هایی از طالس وجود دارد؛ در مقاله چهارم که در مورد نفس و قوای نفس است یک نقل قول از طالس در مورد تعریف نفس و یکی هم در مورد رود نیل وجود دارد. مقاله پنجم در مورد کهانت و رؤیا و ... است فقط یک نقل از باندروس (باندرس) در مورد پیدایش حیوانات است و این خیلی مهم است که وقتی به مقاله اول نگاه کنیم بحث طالس که مطرح شد بحث الهیاتی مطرح و در مورد خدا سخن گفته می شود. اولین فیلسوف طالس یا فیثاغورث؟

این پژوهشگر فلسفه با بیان اینکه در مورد طالس بسیار بیشتر می دانیم تا در مورد باندرس و پلس، اضافه کرد: در مورد طالس در الآراء الطبيعية آورده است که آب اولین موجودات است و طالس هم اولین کسی است که اقدام به سخن در مورد فلسفه کرده است (البته تعبیر قد یظن) که نشان از تردید وی دارد زیرا مشهور است که اولین نفر در فلسفه، فیثاغورث بوده است. در نقل قول دیگری در این کتاب داریم که خداوند، عقل عالم است؛ این تعبیر رنگ نوافلاطونی دارد.

وی با اشاره به کتاب «اعلام النبوه» ابو حاتم رازی، گفت: وی در این کتاب مباحثی در مورد عقاید فلاسفه به خصوص طالس مطرح کرده و آورده است: ان الله هو العقل العالم و این جمله همان جمله ای است که در آراء الطبيعية دیده می شود و جمله جالب دیگری هم دارد: ان میدع انما هو فقط. بنابراین به عنوان یک متکلم وارد بحث شده است و پیشرفته این نظریه را می توان در الملل و النحل شهرستانی هم ملاحظه کنیم. این نظریه، خدا را موجد الاجساد باللیس می داند و اینکه همه چیز از عدم خلق شده است که در منابع کهن یونانی چنین نظری وجود نداشته است.

عسگری با بیان اینکه منبع دیگر «مختار الحكم و محاسن الكلم» است، تصریح کرد: در فهرست این ندیم، بحثی وجود دارد با عنوان اخبار الفلاسفه و العلوم القديمة و الكتب المصنفة فی ذلک... که این ندیم در اینجا بحثی درباره فیلسوف و شروح و آثارش دارد ولی در مختار الحكم جملات قصار و امثال و حکم مطرح شده است لذا از این حیث فهرست بر مختار ترجیح دارد ولی در فهرست جملات قصار بیان نشده است. الملل و نحل شهرستانی هم از آن نقل زیادی کرده است.

پژوهشگر فلسفه اسلامی با اشاره به کتاب آراء الفلاسفه منسوب به شخصی به نام «آمیوس»، افزود: این کتاب خیلی مهم و نسخه خطی آن در کتابخانه اباصوفیه هم موجود است و ترجمه نشده است؛ از ابتدای این کتاب آمده است «فی الباری هو جل و علی» یعنی از همان ابتدا با خدا شروع می کند. این کار صیغه نوافلاطونی دارد. شهرستانی عینا برخی صفحات این کتاب را با تغییر چند اصطلاح کپی کرده است و این کتاب از منابع مهم برای الهیات و هم فلسفه دارد. در آن نقل قول هایی از آناکسی پلس است که «الحق حقان حق النوری و حق مظلم» که این مسئله را در آثار ابوحاتم رازی هم می بینیم. اهمیت دوران پیشاسقراط

در ادامه این نشست احمد عسگری، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی به عنوان ناقد با بیان اینکه این موضوع مهمی است، گفت: این بحث هم از جهت تاریخ فلسفه مهم است و هم از جهت اینکه بینیم چگونه آثاری که در یک سیاقی مطرح بوده است در دوران های بعد از آن در سیاقی دیگر توسط افراد دیگری تفسیر شده است.

وی افزود: تا ۱۵۰ سال قبل ما اصطلاحی به نام نوافلاطونی نداشتیم ولی در این مدت جعل شده است یعنی برداشت های ما می تواند بر تشریح فرایند تاریخی فلسفه اثر بگذارد و دلیل قاطعی هم نداریم که ثابت کند برداشت ما دقیق تر و صحیح تر است.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی با بیان اینکه آنچه در عالم اسلام رخ داده است باید همه را در یک سطح ننگریست، گفت: اوج این مطالب در اثر شهرستانی است که یکسری آرایبی را به فلاسفه قبل از سقراط به خصوص طالس منسوب می کند

که البته نه مستند تاریخی دارد و نه از نظر فلسفی قابل قبول است که در آن دروه چنین بحثی طرح شده باشد.

وی افزود: امروز در مورد طالس اگر به منابعی که مورد اعتماد است مانند ضمان الحکمه مراجعه کنیم، خواهیم دید کمابیش مطالبی ذکر شده است که امروزه هم در منابع ذکر می شود. مثلا طالس را در زمره دهریون قرار داده است که نه میدا و نه غایت را می شناختند بنابراین این منابع تا نقادی نشوند و متمایز نشوند شاید یکجا قرارداد آنان کار درستی نیست.

وی ادامه داد: کتبی هم به عنوان منابع اصلی توسط ارائه دهنده ذکر شد که معتقدم اثر دیگری هم باید ذکر شود و آن اخبار الفلاسفه فرفریوس سوری است که به کرات در منابع ذکر شده است و به زبان سریانی هم نوشته شده بود و البته چند مقاله هم به زبان عربی داشته است که البته بنده متوجه نشدم که این کتاب به صورت کلی مفقود شده است یا بخش هایی از آن باقی مانده است.

عسگری تصریح کرد: وقتی از تعبیر «متفکران اسلامی» استفاده می شود باید بین متفکرین تمایز ایجاد کنیم و اصطلاح کلی را به کار نبریم مثلا کتب تراجم که در باب آراء فلاسفه است باید از آنچه خود فلاسفه نقل کرده اند متمایز شود.